

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نظم کمونیستی
۱۶ اپریل ۲۰۲۰

جنگ تجاری امریکا و تأثیر مخرب آن



این نوشته شامل چهار بخش است:

- ۱- مقدمه؛
- ۲- علل مشخص جنگ تجاری امریکا علیه بسیاری از کشورها؛
- ۳- آیا جنگ تجاری کنونی باعث شکوفائی صنعت و اقتصاد امریکا خواهد شد؟؛
- ۴- تأثیر تعرفه‌های اقتصادی بر اقتصاد جهانی و زندگی توده کارکن و زحمتکش (پرولتاریا).

۱- مقدمه:

جنگ چیست؟ از نقطه نظر مارکسیسم، جنگ ادامه سیاست است. سیاست چیست؟ سیاست از همین نقطه نظر بیان فشرده اقتصاد است و اما اقتصاد یک پدیده طبقاتی است. در نتیجه جنگ یک پدیده طبقاتی است. هر جنگ مشخصی به پیشبرد اهداف طبقاتی یک طبقه مشخص خدمت می‌کند. لنین می‌گوید: «به نظر من، مهمترین چیزی که معمولاً در مسأله جنگ بر آن چشم می‌پوشند، موضوعی اساسی که توجه چندانی به آن نمی‌شود و بحث‌های بسیار - و باید بگویم بیهوده، نومیدانه و بی اساس - در آن مورد جریان دارد، مسأله ویژگی طبقاتی جنگ است.» (جنگ و انقلاب ۱۴ (۲۷) مه ۱۹۱۷)

بر این مبنا جنگ تجاری امریکا و دیگر کشورها یک جنگ طبقاتی است.

از نقطه نظر مارکسیسم، و به علت طبقاتی بودن جنگ، جنگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- جنگ‌های عادلانه و انقلابی. مثل جنگ کشورهای مستعمراتی علیه استعمارگران در قرن بیستم و جنگ تدافعی اتحاد شوروی در جنگ جهانی اول و دوم. ۲- جنگ‌های ناعادلانه و ارتجاعی. مثل جنگ جهانی اول و دوم که جنگ‌های امپریالیستی بودند. اگر جنگ‌های نظامی شرایط را برای تخریب اقتصاد و ساختارهای دیگر اجتماعی طرف مقابل فراهم می‌کند، جنگ تجاری مستقیماً به تخریب اقتصاد و زیرساخت‌های طرف مقابل می‌پردازد.

لذا جنگ تجاری امریکا و دیگر کشورها به ویژه چین به علت ساختار سرمایه‌داری و امپریالیستی دو طرف درگیری، جنگی ناعادلانه و ارتجاعی‌ست، به ویژه جنگ دو بزرگترین ابر قدرت امپریالیستی جهان؛ امریکا و چین. در این جنگ تجاری، امریکا سعی دارد با تخریب اقتصاد و زیر ساخت‌های این کشورها به ویژه چین، دوباره سرکردگی خود را بر نظام سرمایه‌داری جهانی احیاء کند و چین سعی دارد این امپریالیسم کهن را در جنگ تجاری به زیر کشیده و خود جای آن را بگیرد. دیگر کشورهای سرمایه‌داری تلاش می‌کنند در این جنگ تجاری خود را حفظ کنند.

از آنجائی که رشد و فروکش اقتصاد در نظام سرمایه‌داری جهانی ناهمگون است و نظام سرمایه‌داری هدفی غیر از سود و ابر سود ندارد، جنگ تجاری از همان آغاز پیدایش نظام سرمایه‌داری بین کشورهای مختلف در جریان بوده و هست. ولی به ویژه جنگ تجاری امریکا و چین از ابعاد و شدت بی سابقه‌ای برخوردار است که در زیر بدان می‌پردازیم.

۲- علل مشخص جنگ تجاری امریکا علیه بسیاری از کشورها.

بعد از جنگ جهانی دوم، با فروکش اقتصادی-سیاسی امپریالیسم بریتانیا، امپریالیسم امریکا سرکردگی نظام سرمایه‌داری جهانی را به عهده گرفت. قطب سوسیالیستی جهان در یک پروسه کوتاه از بین رفت و نظام سرمایه‌داری به رهبری امریکا بر جهان حاکم شد. بعد از جنگ سرد و با شروع گلوبالیزاسیون سرمایه، درهای نظام سرمایه‌داری تازه پاگرفته اتحاد شوروی و چین به روی سرمایه‌داری خارجی گشوده شد و این به شکوفائی و رشد اقتصاد چین و روسیه کمک شایانی کرد. این رشد و شکوفائی تا بدانجا پیش رفته است که چین اکثر بازارهای بین‌المللی امریکا را از دستش بیرون کشیده و صادراتش به درون امریکا نیز تراز تجاری امریکا - چین را به هم زده است. این بدان معناست که امریکا در حال افول و عقب نشینی و چین در حال تهاجم و پیشروی‌ست.

در سال ۲۰۱۹ کل تجارت امریکا و چین ۶۳۴،۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. واردات امریکا از چین ۴۷۱،۸ میلیارد دلار و صادرات امریکا به چین ۱۶۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بنابراین در سال ۲۰۱۹ کسری تجارت کالاها و خدمات ایالات متحده با چین ۳۰۸،۸ میلیارد دلار بوده است. (داده‌ها از سایت بازرگانی الین) در همین سال امریکا بر ۳۶۰ میلیارد دلار کالاهای چینی تعرفه ۲۵ درصدی وضع نمود و چین نیز بر ۱۱۰ میلیارد دلار کالاهای امریکائی تعرفه‌های ۲۵ درصدی اعمال کرد.

با این وجود حجم تجاری دو کشور امریکا و چین در ۲۰۲۲ «فقط از ماه جنوری تا نومبر سال جاری میان دو کشور به ۶۸۲،۳۲ میلیارد دلار رسیده که افزایش سالانه ۳۰،۲ درصد داشته است» (IRNA) «کد خبری ۸۴۵۶۹۶۷۲»

کسری تجاری که یکی از موتورهای افول امپریالیسم امریکا است و آن را برجسته نشان می‌دهد، باعث گردید که ترمپ برای کاهش آن بر کالاهای بسیاری از کشورها منجمله کانادا، مکزیکو و اتحادیه اروپا به ویژه چینی تعرفه ۲۵ درصدی وضع کند. با روی کار آمدن مجدد ترمپ ۱۰ درصد دیگر بر تعرفه‌های چین اضافه گردیده، و چین نیز دقیقاً

مقابله به مثل کرد. تعرفه‌های ۱۰ و ۱۵ درصدی بر بسیاری کالاهای امریکائی وضع نمود. زیرا که چین نیز «آماده هر نوع جنگ است» (بی بی سی فارسی)

در دوره بایند کل کسری تجاری امریکا افزایش یافت. رادیو المان در مورد کسری تجاری امریکا در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۳ می‌گوید: «کسری تجاری امریکا در سال ۲۰۲۴ بیش از ۱۷ درصد افزایش یافته است. حجم واردات امریکا ۹۱۸ میلیارد دلار بیشتر از صادرات این کشور بوده است (DW – 5.2.2025). (کسری تجاری این کشور در سال ۲۰۲۳ حدود ۷۸۴,۸۹ میلیارد دلار بود.)

این در حالی است که «مازاد تجاری چین با جهان در سال ۲۰۲۴ به رکورد یک تریلیون دلار رسید، که نتیجه صادرات قدرتمند این کشور (سه و نیم تریلیون دلار) بود؛ رقمی که از واردات آن (دو و نیم تریلیون دلار) پیشی گرفت.» (بی بی سی فارسی – ۱۷ مارس ۲۰۲۵)

با اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی در سال ۲۰۲۴ «کسری تجاری امریکا با چین ۱۴,۸۳ درصد کاهش یافته است» (اتاق ایران آنلاین)

امریکا با ۱۰۱ کشور دیگر دارای کسری تجاریست. یکی از این کشورها کانادا است با سهم ۱۵,۹ درصدی از بازار امریکا. حجم «تجارت دو کشور در سال ۲۰۲۴ حدود ۷۰۰ میلیارد دلار بوده که ۳۷۷ میلیارد دلار مربوط به واردات امریکا از کانادا و ۳۲۲ میلیارد نیز صادرات امریکا به کاناداست.» (روزنامه اقتصادی فرهیختگان) به عبارت دیگر کسری تجارت امریکا با کانادا در هر سال ۵۵ میلیارد دلار است. کانادا در جواب به تعرفه‌های ۲۵ درصدی امریکا، تهدید کرده است که به برق صادراتی خود به امریکا تعرفه ۲۵ درصدی وضع خواهد کرد.

تعرفه امریکا بر واردات فولاد و آلومینیوم از اروپا نیز چهارشنبه ۲۲ اسفند-حوت- اجرائی شد و اروپا نیز از ماه آینده بر ۲۶ میلیارد دلار کالاهای امریکائی تعرفه اعمال خواهد کرد.

چین در رأس کشورهای قرار دارد که امریکا با آنها کسری تجارت دارد. از این رو لبه تیز حملات امریکا در کاهش کسری تجارت، در درجه اول سمت چین و سپس کانادا، مکزیکو و اتحادیه اروپا نشانه رفته است. از روز چهارشنبه ۲۰ فروردین- حمل- متوسط تعرفه گمرکی بر کالاهای چینی ۱۰۴ درصد است. چین هم اعلام نموده که تا به آخر علیه امریکا خواهد رفت.

همه این حقایق نشان می‌دهند که جامعه امریکا گام به گام به یک جامعه مصرفی تبدیل می‌شود، وارداتش بیش از صادراتش گردیده و صنایع آن در حال رکود هستند. این واقعیات دونالد ترامپ را بر این واداشته تا با اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای بسیاری از کشورهای جهان در رأس آن چین، صنایع کشورش را از حال رکود بیرون آورد و حرکتی تولیدی و کارآفرین ایجاد کند.

۳- آیا جنگ تجاری کنونی باعث شکوفایی صنعت و اقتصاد امریکا خواهد شد؟

این سؤال را محققان اقتصادی و نتایج عملی تعرفه‌های دوران اول ریاست جمهوری ترمپ جواب خواهد داد: ترمپ تعرفه‌ها را ابزاری برای رشد اقتصاد امریکا، حفظ مشاغل و افزایش درآمدهای مالیاتی می‌داند. اما مطالعات اقتصادی درباره تأثیر تعرفه‌هایی که او در دوره اول ریاست جمهوری‌اش اعمال کرد، نشان می‌دهد که این اقدامات در نهایت باعث افزایش قیمت‌ها برای مصرف کنندگان امریکائی شدند.

خانم گارسیا هرو محقق اقتصادی می‌گوید: «چین فقط یک صادرکننده بزرگ نیست، بلکه در برخی حوزه‌ها تنها صادرکننده است، مانند پنل‌های خورشیدی. اگر پنل خورشیدی نیاز داشته باشید، تنها گزینه شما چین خواهد بود.» (بی بی سی فارسی)

آقای شوانگ اقتصاددان معتقد است: «کارخانه‌های چینی می‌توانند فناوری‌های پیشرفته را به صورت انبوه و با هزینه‌ای بسیار پائین تولید کنند.» (همانجا)

با در نظر گرفتن این واقعیت که چین و آمریکا بزرگترین صادرکنندگان کالا به کشورهای همدیگر هستند و وابستگی متقابل بالایی دارند، تأثیر مخرب تعرفه‌های بالا توسط ترامپ، اقتصاد آمریکا را نیز دچار بحران عمیق‌تر می‌کند. بدین معنی که گرانی حلقوم مردم آمریکا را می‌فشارد و قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد.

در همین روزهای اولیه حاکمیت مجدد ترامپ، دو دلی در رشد اقتصادی آمریکا باعث فروکش ارزش دلار گردید در حالی که ارزش یورو خود را در مقابل دلار تثبیت کرد. در عین حال «صبح روز بعد از فرمان دونالد ترامپ مبنی بر افزایش تعرفه کالاهای وارداتی، بازار بورس نیویورک - وال استریت - کار خود را با افت ارزش سهام بسیاری از شرکت‌های بزرگ شروع کرد (ifr)». «در آمریکا» بازارهای سهام با بدترین سقوط یک روزه خود، از ابتدای همه گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ روبرو شد.» (بی بی سی - فارسی)

جنگ تجاری، هر دو طرف جنگ را مورد ضربه قرار می‌دهد، اقتصاد هر دو کشور را با معضلات فراوان رو به رو می‌کند به این جهت تحلیل گران بر این واقعیت اشاره دارند که جنگ اقتصادی برنده ندارد. دو طرف و کل مردم جهان بازنده‌اند. ولی آن دولتی که بیشتر بر تعرفه‌ها می‌افزاید، بیشتر دچار بحران اقتصادی و نابسامانی اجتماعی می‌گردد. «تنها در سال جاری میلادی [۲۰۱۹] اقتصاد آمریکا در نتیجه جنگ تجاری با چین، ۱۳۴ میلیارد دلار خسارت دیده است و این خسارت، احتمالاً تا پایان سال آینده به ۳۱۶ میلیارد دلار خواهد رسید که معادل ۳/۰ درصد تا ۷/۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی آمریکا خواهد بود. (مرکز مطالعات آمریکا)

امریتا نارلیکار، رئیس مؤسسه مطالعات جهانی و منطقه‌ای المان و استاد بین‌المللی روابط در دانشگاه هامبورگ می‌گوید: «این جنگ تجاری به اقتصاد ایالات متحده کمک نکرده است. این آمریکا دیگر اقتصاد اول و ابرقدرت دنیا نخواهد بود. شاخص‌ها در مورد مصرف کنندگان ایالات متحده و همچنین، بسیاری از تولید کنندگان در بخش‌های مختلف منفی خواهد بود؛ این موضوع از نظر سیاست اقتصادی بسیار معنی دارد.» (مرکز مطالعات آمریکا)

جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، می‌گوید: «اثر تعرفه‌ها برای آمریکا و جهان بسیار بد خواهد بود.» (همانجا)

«اعمال تعرفه‌ها بر واردات چین در دور نخست ریاست جمهوری ترامپ هرچند بخشی از کسری تجاری ایالات متحده با این کشور را کاهش داد اما باعث تشدید کسری تجاری با سایر کشورها شد؛ چرا که شرکت‌های آمریکایی پس از اعمال تعرفه بر واردات چین شرکای دیگری از سایر کشورها را جایگزین کردند و به همین دلیل کسری تجاری آمریکا با اروپا افزایش پیدا کرد.» (همانجا)

ولی به علت این که سهم صادرات و واردات چین در مجموع تولید ناخالص داخلی فقط ۳۷ درصد است، خسارات بالا بردن تعرفه‌ها توسط ترامپ برای چین بسیار اندک می‌باشد. چین با رو آوردن به کشورهای اروپایی و آسیایی در صادرات، توانسته است سهم خود را از تجارت جهانی ۴ درصد افزایش دهد.

در عین حال بالا بردن تعرفه‌ها، کشورهای وارد کننده کالاهای آمریکایی را که سهم تجارتشان از تولید ناخالص داخلی بالاست، به بحران می‌کشاند مثلاً؛ سهم تجارت، ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی مکزیکو را تشکیل می‌دهد. ۸۰

درصد صادرات مکسیکو به امریکا است. تعرفه ۲۵ درصدی می‌تواند تولید ناخالص داخلی مکسیکو را ۱۶ درصد کاهش دهد و این یعنی فقر و فلاکت و گرسنگی برای مردمان زحمتکش این کشور است. (آمار از یورونیوز)

۴- تأثیر تعرفه‌های اقتصادی بر اقتصاد جهانی و زندگی توده کارکن و زحمتکش (پرولتاریا)

زمانی که برای کالای یک کشور تعرفه ۲۰ درصدی اعمال می‌شود، ۲۰ درصد به قیمت کالای وارد شده به آن کشور افزوده می‌گردد. زمانی که ارزش کالاهای تجاری دوطرف جنگ تجاری صدها میلیارد دالر باشد و ۲۵ درصد تعرفه گمرکی آن بالا رود ارزش تمام شده این مقدار عظیم از کالا به بالای هزار میلیارد دالر می‌رسد.

این کالاها که اکثراً به صورت مواد اولیه و یا نیمه پرداخت شده صادر می‌گردند در کشور وارد کننده روی آن‌ها کار می‌شود و به صورت محصول نهایی وارد بازار جهانی می‌گردد، البته با قیمت بسیار بالاتر از قیمت پیش از تعرفه ۲۵ درصدی. بسیاری از شرکت‌های تولید کننده با مشکل جدی و حیاتی در تأمین مواد اولیه مواجه می‌شوند و مجبور می‌گردند منابع اولیه را از کشورهای دیگر تأمین کنند. این امر به نوبه خود باعث گرانی سرسام آور کالاها می‌گردد.

این قیمت بالا را مصرف کننده یعنی مردم معمولی و زحمتکشان کشورها باید بپردازند. «بر همین اساس تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند تشنج‌های تجاری به افزایش تورم و گران شدن کالاها در کشورهای درگیر منجر خواهد شد». (فرارو) این گرانی باعث تورم در کشورهای جهان و در نتیجه، انباشت بیشتر ثروت در بالای جامعه و فقر و فلاکت و بی‌خانمانی و گرسنگی در بدنه و پائین جامعه می‌گردد. این روند آنچنان مصیبت‌بار است که در نتیجه آن هر ساله میلیون‌ها کودک و مادر و مردان کار و زحمت از گرسنگی و امراض مختلف که امکان معالجه آن را ندارند، جانشان را از دست می‌دهند بدون این که ظاهراً علت این گرسنگی و منشای آن خود را نشان دهد.

در واقع بالا بردن تعرفه‌ها و دامن زدن به جنگ تجاری باعث قتل‌عام سالیانه میلیون‌ها از مردم جهان است. این قتل‌عام آن چنان گسترده است که قتل‌عام فلسطینیان توسط فاشیست‌های اسرائیلی در مقابل آن کمرنگ می‌گردد. ولی این قتل‌عام خاموش است. کسی آن را نمی‌بیند و قادر نیست گستردگی و آفرینندگان آن را مشاهده کند.

نظم کمونیستی

۲۶ فروردین- حمل- ۱۴۰۴